

حفظ آبرو از دیدگاه نبوی

فاطمه عسکری^۱

چکیده

یکی از فضیلت‌های اخلاقی که در روایات نبوی بر آن تأکید شده است و از اهمیت و جایگاه بلندی برخوردار است، صیانت از عرض و آبروی دیگران است. از دیدگاه نبوی برای بسیاری از مردم آبروی اجتماعی تا جایی مهم است که جان و مال خویش را برای آن فدا می‌کنند تا بتوانند آبروی خویش را حفظ کنند؛ زیرا برای بسیاری از انسان‌ها، تجلیات انسانی مهم‌تر از هر چیز دیگری است؛ از همین رو حاضرند جان و مال خویش را بدهند، ولی آبرویشان را حفظ و صیانت کنند؛ یعنی نمی‌خواهند در حالی زنده باشند که آبرویی ندارند و از وجاهت و شرافت و اعتبار اجتماعی ساقط شده‌اند. در نوشتار حاضر اهمیت و ارزش حفظ آبرو از دیدگاه نبوی و آثار و عوامل صیانت از آن، مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله آثار حفظ آبرو؛ انفاق و بخشش، کسب روزی حلال، بی‌نیازی از مردم، پرهیز از موضع تهمت بدزبانی و پرگویی، عزت و خدامحوری و تقوا در تعاملات اجتماعی است. هدف پژوهش حاضر، مفهوم‌شناسی آبرو و ضرورت و جایگاه و آثار آن از دیدگاه نبوی است. این پژوهش با بهره‌گیری از داده‌های کتابخانه‌ای و روش توصیفی تحلیلی انجام‌شده و جامعه پژوهش آن شامل تمامی روایات نبوی مرتبط با موضوع پژوهش و سایر اسناد مرتبط در قالب کتاب است. یافته‌ها حکایت از آن دارد که حفظ آبرو موجب خوشبختی و صاحب اعتبار شدن آبرومندان می‌شود.

کلیدواژه: آبرو، ارزش، بی‌نیازی، عزت.

^۱ سطح دو، حوزه علمیه حضرت خدیجه (علیها السلام).

مقدمه

یکی از ارزنده‌ترین ارزش‌ها، اعتبار و آبروی انسان است. اگر از بین رفتن زندگی به منزله مرگ است، از دست دادن اعتبار و آبروی نیز به منزله پایان زندگی در جامعه است. از دست دادن مال ناخوشایند است ولی موجب سرافکندگی نمی‌شود؛ چون می‌توان آن را جبران کرد، ولی اگر نیک‌نامی از دست برود بازیافتن آن بسیار دشوار است. آنچه در رابطه با این موضوع اهمیت دارد این است؛ انسان‌ها به فراخور زندگی اجتماعی‌شان، از همکاری و همیاری ناگزیرند، خواهش و تمنا بی‌جا و غیرضروری، به ویژه از کسانی که ظرفیت لازم را ندارند، آبرو و اعتبار انسان را به خطر می‌اندازند و چه بسا از میان می‌برد. از اموری که انسان‌ها باید نسبت به آن حساس و مراقب باشند آبرو و شخصیت فردی، خانوادگی و اجتماعی یکدیگر است. آموزه‌های نبوی برای حاکمیت صمیمیت و دوستی بر حفظ آبرو افراد تأکید دارد. یکی از زمینه‌هایی که آبروی افراد در آن به راحتی دچار آسیب و گزند می‌شود، عیب‌جویی و طعنه زدن افراد به یکدیگر است؛ نتایج پژوهش در این باره، دستیابی پژوهشگر به جایگاه و ضرورت و عوامل حفظ آبرو از دیدگاه نبوی است که می‌تواند راهکار عملی برای تنظیم ابعاد مختلف رفتار انسان و درکل اصلاح نگرش و سبک زندگی باشد، بسیار حائز اهمیت خواهد بود. در بررسی پیشینه پژوهش، در کنار کتاب‌های اخلاقی همچون «اخلاق زندگی»، «فرهنگ اخلاقی معصومین» و «تربیت اخلاقی مخاطب» که بخشی را به موضوع آبرو اختصاص داده‌اند. پژوهش علمی چندی نیز در این باره انجام گرفته است؛ ازجمله مقاله‌ی «بررسی علل و عوامل هتک حرمت و آبروی مؤمن و راه‌های حفظ آن در قرآن و حدیث» نوشته: فاطمه عبداللهی، مرضیه امری؛ در این پژوهش به مفهوم آبرو و عوامل و آثاری که باعث خدشه‌دار شدن این موضوع می‌شود و راهکارهایی که باعث حفظ این مسئله می‌شود را مورد بررسی قرار داده است؛ و مقاله‌ی «حفظ آبرو و جایگاه آن در مقاصد شریعت از دیدگاه فقه‌های مذاهب» نوشته: مهدی شوشتری، در این پژوهش با شیوه توصیفی تحلیلی و استفاده از نظرات فقها به این نتیجه رسیده است که برخی فقها هرچند به صراحت حفظ آبرو را از مقاصد شریعت ندانسته‌اند؛ اما وجه تمایز پژوهش حاضر با آثار فوق در پی‌جویی حفظ آبرو از دیدگاه نبوی در تعاملات فردی و اجتماعی؛ که راهکار عملی برای تنظیم ابعاد مختلف رفتار انسان و درکل اصلاح نگرش و سبک زندگی است؛ بنابراین پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا به این سؤال پاسخ دهد:

۱- آثار حفظ آبرو از دیدگاه نبوی چیست؟

۱- مفهوم شناسی

قبل از ورود به بحث، به واژه‌ی کلیدی آبرو می‌پردازیم.

۱-۱- آبرو

واژه آبرو مرکب از «آب» و «رو» به معنای اعتبار، حرمت، شرف، و جاهت و عرض بوده است.^۱ و در اصطلاح به معنای آبروی کسی را ریختن، یعنی وی را مفتضح ساختن، او را مفتضح نمودن است.^۲

بنابراین هر آنچه باعث افزایش شخصیت انسان و عزت شخص می‌شود و دیگران او را به پاکی یاد کنند می‌توان به عنوان آبرو یاد کرد.

۲- اهمیت آبرو

حفظ آبرو و آبروداری اهمیت ویژه‌ای داشته و تمامی ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و پیامبر (صلی‌الله علیه و آله وسلم) مظهر آبرو بوده‌اند. مشاهیر، قدما، علما و بزرگان نیز با آن زندگی می‌کرده‌اند؛ که در اینجا به اهمیت آبرو از دیدگاه نبوی می‌پردازیم.

۲-۱- عیب‌پوشی مؤمن

از صفات زشت و ناهنجاری که راحتی و آسایش انسان را سلب می‌کند و او را از نظر دیگران بی‌اعتبار جلوه می‌دهد، عیب جویی است این خوی شرم‌آور به کلنگی می‌ماند که کسی آن را به دست گرفته و برای ویران کردن بنای برادری، محبت و یگانگی، صفا و صمیمیت مدام کوشش می‌کند. در این زمینه پیامبر (صلی‌الله علیه و آله وسلم) در حدیثی درباره اهمیت عیب‌پوشی از برادر مؤمن می‌فرماید: «مَنْ عَلِمَ مِنْ أَخِيهِ سَيِّئَةً فَسَتَرَهَا سَتَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ هر که از برادر خود گناهی بداند و آن را بپوشاند، خداوند در روز قیامت گناهان او را بپوشاند.»^۳ روزی قیامت روزی است که به گفته قرآن

^۱ دهخدا، لغت‌نامه، ج ۱، ص ۲۱.

^۲ معین، فرهنگ معین، ج ۱، ص ۹۴.

^۳ منذری، الترغیب و الترهیب، ج ۳، ح ۲۳۹، ص ۷.

کریم «يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ؛ روزی در آن روز همه اسرار فاش می‌شود.»^۱ به قول امروزی‌ها خدای متعال در آن روز هوای او را خواهد داشت و آبروی او را حفظ می‌کند.

شریعت اسلام برای آبروی انسان همانند جان او ارزش ویژه‌ای قائل شده است تا آنجا که دفاع از آن را واجب کرده است و ریختن خون تجاوز کننده به آن را در بعضی موارد با شرایطی جایز دانسته و نیز ترک مهم‌ترین واجبات را در راستای حفظ آن روا شمرده است.

قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی شما را به گناه و ترک عدالت و ریختن آبروی او نکشاند! عدالت کنید که به پرهیزکاری نزدیک‌تر است و از معصیت خدا پرهیزید که از آنچه انجام می‌دهید، با خبر است!»^۲

۲-۲- احترام گذاشتن به افراد افتاده

اخلاق پسندیده اسلامی حکم می‌کند از افرادی که در میان قوم و قبیله خود احترامی داشته و اکنون به هر دلیل به ذلت و خواری افتاده‌اند، دل‌جویی کنیم. این افراد به دلیل از دست دادن مقام و موقعیت خود، به مهر و محبت اطرافیان خود بسیار نیازمندند. ممکن است آنان در از دست دادن موقعیت خود، تقصیر چندانی نداشته باشند؛ و حادثه‌ای ناگوار، ایشان را از اقتدار به ناتوانی کشانده باشد.

پیامبر (صلی‌الله علیه و آله وسلم) در این زمینه می‌فرماید: «إِرْحَمُوا عَزِيزًا ذَلَّ، وَ غَنِيًّا افْتَقَرَ، وَ عَالِمًا ضَاعَ بَيْنَ جُهَالٍ؛ به عزیزی که خوار گردیده است، توانگری که تهیدست شده، دانشمندی که میان نادانان تباه شده احترام بگذارید.»^۳

^۱ طارق: ۹.

^۲ مائده: ۸.

^۳ پاینده، نهج الفصاحه، ش ۲۶۲.

۲-۳- حرمت آبروی مؤمن

در روایات آبروی مؤمن با مقدس‌ترین سرزمین، یعنی «کعبه مکرمه» که قبله‌گاه مسلمانان و نمازگزاران است مقایسه شده است. روایت شده است که پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله وسلم) به کعبه نگاه کردند و فرموده‌اند: «مَرْحَبًا بِالْبَيْتِ! مَا أَعْظَمَكَ وَأَعْظَمَ حُرْمَتَكَ عَلَى اللَّهِ وَاللَّهُ لِلْمُؤْمِنِ أَعْظَمُ حُرْمَةً مِنْكَ لِأَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ مِنْكَ وَاحِدَةً وَ مِنَ الْمُؤْمِنِ ثَلَاثَةٌ: مَالُهُ وَ دَمُهُ وَ أَنْ يُظَنَّ بِهِ ظَنُّ السَّوِّءِ؛ مَرْحَبًا بِهِ تَوَّاهُ كَعْبَهُ! چَه اندازَه بزرگ هستی و در نزد خداوند ارج و اعتبار داری، به خداوند سوگند حرمت مؤمن از تو بزرگ‌تر است، خداوند تو را از یک چیز حرام کرده است در صورتی که از مؤمن سه چیز را نموده، مالش، جانش و سوءظنش نسبت به او.»^۱

بنابراین همان‌طور که تخریب و اهانت به کعبه حرام است؛ تخریب چهره مؤمن و اهانت به او نیز حرام است.

۲-۴- جریان داستان افک

این داستان از نظر اجتماعی به ویژه شیوه رفتار دشمنان امت اسلامی، نکته‌های قابل توجهی در بردارد که مناسب است آن را از زبان شهید مطهری به آن بپردازیم.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ در حقیقت، کسانی که آن بهتان (داستان افک) را به میان آوردند، دسته‌ای از شما بودند. آن تهمت را شری برای خود تصور نکنید، بلکه برای شما در آن، مصلحتی بوده است. برای هر مردی از آنان که در این کار دست داشته است؛ همان گناهی است که مرتکب شده است. آن کس از ایشان که بیشترین بخش آن را به گردن گرفته است، عذابی سخت خواهد داشت. چرا که هنگامی که آن بهتان را شنیدید، مردان و زنان مؤمن گمان نیک به خود نبردند و نگفتند: این بهتانی آشکار است؟»^۲

^۱ مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۴، ص ۷۱.

^۲ نور: ۱۱.

۵-۴- پرهیز از موضع تهمت

یکی دیگر از آثار حفظ آبرو؛ پرهیز از رفتن به جاهایی است که احتمال متهم شدن وجود دارد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در این زمینه می‌فرماید: «أُولَى النَّاسِ بِالتُّهْمَةِ مَنْ جَالَسَ أَهْلَ التُّهْمَةِ؛ سزاوارترین مردم به تهمت، کسانی هستند که با افراد متهم و بدنام هم‌نشینی کنند.»^۱ توصیه شده است از موضع تهمت بپرهیزید تا متهم و بی‌آبرو نشوید.

۵-۵- پرهیز از پرگوئی و بدزبانی

یکی دیگر از آثار مهم حفظ آبرو است. پرهیز از پرگوئی و بیهوده‌گویی است، در این زمینه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره می‌فرماید: «ثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ لِلْمُؤْمِنِ: كَفُّ لِسَانِهِ عَنِ النَّاسِ وَ اغْتِيَابِهِمْ وَ إِشْغَالُهُ نَفْسَهُ بِمَا يَنْفَعُهُ لِآخِرَتِهِ وَ دُنْيَاهُ وَ طَوْلُ الْبُكَاءِ عَلَى خَطِيئَتِهِ؛ سه چیز موجب نجات انسان مؤمن خواهد بود: نگهداری زبانش از حرف زدن درباره مردم و غیبت آنان، مشغول شدنش به خویشتن با کارهایی که برای آخرت و دنیایش مفید باشد؛ و بسیار گریستن بر اشتباهاتش.»^۲ چه بسا انسان با پرگوئی یا بیهوده‌گویی به آسانی آبروی خویش را می‌ریزد.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «شَرُّ النَّاسِ مَنْ أَكْرَمَهُ النَّاسُ اتِّقَاءَ شَرِّهِ؛ بدترین مردم کسی است که دیگران از ترس شرش به او احترام بگذارند.»^۳

و همچنین حضرت می‌فرماید: «خَيْرُكُمْ مَنْ أَطَابَ الْكَلَامَ؛ بهترین شما کسی است که خوش‌زبان باشد.»^۴

^۱ نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۱۳.

^۲ مجلسی، بحارالانوار، ج ۳، ح ۴۰، ص ۷۸.

^۳ طبرسی، مکارم اخلاق، ص ۴۳۳.

^۴ ابن بابویه، عیون اخبار، ج ۱، ص ۷۱.

۵-۶-عزت

عزت از آثار حفظ آبرو است، یک انسان آبرودار به واسطه مراعات اصل آبرو نزد مردم عزیز و سربلند بوده و مورد ستایش، تعریف و تمجید آنان قرار گرفته است و او پس از مرگ نیز به نیکی یاد می‌کنند. نیوتون می‌گوید: اعتبار و آبروی حقیقی آن است که پس از مرگ همچنان پابرجا باشد.^۱

۵-۷-خدامحوری و تقوا

یکی از آثار حفظ آبرو، خدامحوری و باتقوا بودن است؛ آبروداران، با ایمان به خدا و قیامت به عمل صالح پرداخته و آن را مطابق با آبرو می‌دانند؛ زیرا خدامحوری و توحید یکی از برنامه‌های زندگی آنان است که کمک‌های شایانی در این راه به آنان می‌نماید. ایمان و عمل صالح از اصول مکتب اسلام و از خصلت‌های ویژه مؤمنین با اصالت است که نقش اساسی در سعادت و عافیت انسان داشته و باعث پیشرفت، آبرومندان است، همان‌گونه که افکار شیطانی که از بی‌خدایی در افکار بعضی از افراد ریشه دوانده و باعث اعمال خلاف شده آنان را از اصالت و هویت منحرف نموده و به بیراهه سوق می‌دهد. تقوا هم عامل شناخت صحیح هم مایه آبرو و حیثیت اجتماعی و هم سبب مغفرت اخروی است.^۲

^۱ شاملویی، بزرگان چه گفته‌اند؟ ش ۴۴.

^۲ رحمتی، محمد، گنجینه معارف ج ۱، ص ۱۷.

نتیجه‌گیری

بر اساس تحلیلی که از روایات نبوی به عمل آمد، می‌توان گفت حفظ آبرو از افزایش شخصیت انسان و عزت شخص در اعتقادات نتیجه می‌شود؛ و اصلی‌ترین راه جلوگیری از آن، تقویت نیروی ایمان و اصلاح بینش اعتقادی است که در کتاب‌های وحیانی به آن پرداخته شده است. یکی از چیزهای بسیار مهمی که در روایات مورد توجه قرار گرفته، مسأله حفظ آبروی انسان مؤمن است. هرکسی در زندگی، باید در گفتار و در اعمال و رفتارش دائم مراقب باشد که آیا این عمل و رفتار من لطمه و صدمه‌ای به آبروی دیگران می‌زند یا نه؟ برخی از انسان‌های پست و فرومایه برای رسیدن به اهداف خود در زندگی به هر وسیله‌ای دست می‌زنند؛ تنها چیزی که برای این افراد در زندگی مهم است، دستیابی به آمال و آرزوهای خودشان است. چه‌بسا برای رسیدن به یک پست و موقعیت اجتماعی آبروی افراد را نادیده گرفته و آن را به راحتی برای رسیدن به هدف خود از بین می‌برند، متأسفانه امروزه ما بیشتر شاهد چنین مسائلی هستیم. انسان نباید صرفاً به شنیده‌ها و گفته‌ها تا زمانی که یقین ندارد، اکتفا کرده و با آبروی افراد بازی کند. کسی که با آبروی دیگران بازی می‌کند و آن را وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف خود قرار می‌دهد؛ از این نکته غافل مانده است که حفظ و جایگاه آبروی مؤمن در کنار خون و مال او قرار گرفته کسی که بی‌جهت آبروی دیگران را می‌ریزد گویا خون او را ریخته است. حفظ آبرو آثار و پیامدهایی بر تعاملات اجتماعی انسان دارد. گاهی رفتارهای سنجیده انسان در ارتباط با دیگری، ممکن است زمینه‌ساز فهم و تصور درستی از نیت انسان در دیگران شود. به‌عنوان مثال؛ بی‌نیازی از مردم و انفاق و بخشش ممکن است زمینه‌ساز بروز روحیه بخشنده در آنان شود و هم‌چنین پیدایش عزت و خدامحوری و تقوا ممکن است از آثار حفظ آبرو به حساب آید.

منابع

قرآن

نهج البلاغه

- ۱- ابن بابویه، محمد بن علی، «عیون الاخبار»، قم: مسجد مقدس جمکران، چاپ سوم، ۱۳۹۳ ش.
- ۲- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، «مناقب آل ابی طالب (ع)»، ج ۴، تهران: ذوی القربی، چاپ سوم، ۱۳۸۹ ش.
- ۳- ایوب زاده، منوچهر، «درج گهر»، تهران: منوچهر ایوب زاده، چاپ اول، ۱۳۹۲ ش.
- ۴- حکیمی، محمدرضا، محمد، علی، «ترجمه الحیاه»، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۰ ش.
- ۵- دهخدا، علی اکبر، «لغت نامه»، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.
- ۶- رجایی، محمدرضا، «پرواز به سوی آبرو»، اصفهان: کیا راد، چاپ اول، ۱۳۹۴ ش.
- ۷- رحمتی شهرضا، محمد، «گنجینه معارف»، تهران: صبح پیروزی، چاپ دهم، ۱۳۹۰ ش.
- ۸- رجایی، محمدرضا، نعمتی، محمود، «ویژگی های دعا»، اصفهان: اقیانوس معرفت، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
- ۹- شاملویی، حبیب الله، «بزرگان چه گفته اند؟»، تهران: امید فردا، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
- ۱۰- صدوق، محمد بن علی، «من لایحضره الفقیه»، ج ۳، تهران: دار زین العابدین، چاپ دوم، ۱۴۰۰ ش.
- ۱۱- طبرسی، فضل بن حسن، «مکارم الاخلاق»، تهران: حبیب، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ش.
- ۱۲- قضایی، محمد بن سلامه، «شهاب الاخبار»، مترجم: حمید فرخیان، تهران: دارالحدیث، چاپ چهارم، ۱۳۹۳ ش.

۱۳- کاشانی، محمد بن مرتضی مدعو محسن، «محجۀ البيضاء فی تذهیب الاحیاء»، تهران: فرهوش، چاپ اول، ۱۳۹۶ ش.

۱۴- کلینی، محمد بن یعقوب، «الکافی»، تهران: دارالثقلین، چاپ چهارم، ۱۳۹۳ ش.

۱۵- مجلسی، محمدباقر، «بحارالانوار»، ج ۴۳، قم: اسلامیة، چاپ پنجم ۱۳۸۶ ش.

۱۶- محمدی ری شهری، محمد، «منتخب میزان الحکمه»، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: دارالحديث، چاپ پانزدهم، ۱۳۹۵ ش.

۱۷- مطهری، مرتضی، «آشنایی با قرآن (تفسیر سوره نور)»، ج ۴، تهران: صدرا، چاپ بیست و دوم، ۱۳۸۶ ش.

۱۸- مطهری، مرتضی، «تعلیم و تربیت در اسلام»، تهران: صدرا، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۷۵ ش.

۱۹- معین، محمد، «فرهنگ معین»، تهران: زرین، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ش.

۲۰- مکارم، ناصر، «تفسیر نمونه»، ج ۱۴، تهران: دارالکتب اسلامیة، چاپ سی و دوم، ۱۳۹۲ ش.

۲۱- نوری طبرسی، میرزا حسن، «مستدرک الوسائل»، قم: آل البيت، ج ۲، چاپ اول ۱۳۶۹ ش.

۲۲- پاینده، ابوالقاسم، «نهج الفصاحه»، تهران: دنیای دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ ش.

۲۳- ورام، ابی الحسین، «تنبيه الخواطر»، ج ۱، تهران: دارالکتب اسلامیة، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.

کتاب عربی

۱- منذی، عبدالعظیم، «الترغیب و الترهیب»، لبنان: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۸ ق.